

منوچهر آذری، سوت های جذاب و آقای کارمندیان رادیو

چرا جوانان را به سن و سال ما درمی آورند؟

منوچهر آذری یکی از هنرمندان تکرارنشدنی کمدی است که سال ها در رادیو و تلویزیون مردم را شاد می کند. سوت های جذاب و شوخی های آذری، شهره عام و خاص است. از آن تماشاگران ایوان شمس «جمعه ایرانی» تا سوت «دزد عروسک ها» برای مخاطب نوستالژی دارد. کمدین تکرارنشدنی که هنوز هم بابت حضورش در سریال «هزارستان» خوشحال است و از این روزها که در طنزهای تلویزیونی نقش خوبی برای او قائل نمی شوند گلایه می کند. در جریان گپ و گفت می گوید نمی دانم چرا بازیگران جوان را سالخورده می کنند تا به نقش برسند؛ درحالی که ما هستیم می توانیم همان نقش را بازی کنیم. صحبت های او را در ادامه بخوانید.



مجتبی برزگر
روزنامه نگار



به شکل کاراکترهای قدیمی آقای شوت زاده و کارمندیان دریا! **۱۹** امروز یکی از انتقاداتی که پیشکسوتان دارند عدم توجه و احترامی است که باید برای این قشر قائل شوند. شما هم بارها در مصاحبه های تان این انتقاد و گلایه را داشته اید.

توقع ما از مسئولین رادیو و تلویزیون این است که به پیشکسوتان احترام بگذارند و آنها را دعوت به کار کنند. واقعا دستمزد های رادیو با دیگر بخش ها قابل مقایسه نیست و بیش از پیش برای رادیو و هنرمندانش اهمیت قائل شوند.

وقتی که نگاه می کنم من در خانه نشستم و سریالی روی آنتن می رود که یک نقش کمدی دارد چرا سراغ من نمی آیند تا بازیگر آن مجموعه باشم. جوانی را به سن و سال من درمی آورند که او این نقش را بازی کند. واقعا در سینما، رادیو و تلویزیون معتقدم از همه پیشکسوتان باید استفاده کرد.

۱۹ این روزها سالگرد درگذشت علی حاتمی را پشت سر گذاشتیم. کارگردان بزرگی که شما توانستید در سریال هزارستان او ایفای نقش کنید. چرا هنوز هم به این حضور غبطه می خورید و خوشحالی از این اتفاقی که افتاد؟

واقعا منتظر نبودم در سریالی باشم اما دوست داشتم چنین اتفاقی بیفتد. دوست داشتم با کارگردان بزرگ سینمای ایران علی حاتمی کار کنم و ناغافل شد. من به هزارستان دعوت شدم و نقش دربان گراند هتل را بازی کردم.

واقعا مقدار و نوع نقش برایم اهمیتی ندارد؛ من در دزد عروسک ها پلیس بودم و سوت می زدم. گلایه دارم که تهیه کنندگان امروز و برخی از هنرمندان ما، پیشکسوتان را کنار گذاشتند و هیچ اهمیتی برای شان قائل نیستند.

من سریال هزارستان را با زنده یاد علی حاتمی کار کردم و واقعا یکی از افتخارات زندگی ام همکاری با ایشان بود. دیگر کسی مثل علی حاتمی از مادر زاییده نخواهد شد و چقدر حیف که زود از بین ما رفت.

قدیم الایام هم دستمزد گوینده ها، هنرپیشه ها، کارگردان ها و نویسندگان به نسبت به تلویزیون کمتر است و الان هم کمتر است. تلویزیون به دستمزد های آنجانی معروف بود و هر که به رادیو می آمد به خاطر عشق و علاقه بود. واقعا این روزها هرچه فکر می کنم در دوران های مختلف رادیو، همیشه سلطان ها و بزرگانی دیدم که تکرار نمی شوند. سلطان هایی که تلویزیون در خوابش نمی بیند.

۱۹ چند وقتی رادیو نبودید و بعد از مدت ها به رادیو فرهنگ آمدید و آخر هفته ها اجرا دارید.

چند ماهی است به دعوت رسمی رادیو فرهنگ در این شبکه رادیویی فعالیت دارم. وقتی مرا دعوت کردند از من سؤال کردند چرا این قدر فاصله گرفتم، گفتم دلخور شدم. صبح های جمعه به صورت زنده از ساعت ۹ صبح تا ۱۱ و ۳۰ دقیقه در برنامه «هفت کوچه» وظیفه شاد کردن مردم را دارم. خوشبختانه با استقبال شنوندگان، پنجشنبه هم به کنساکتور این برنامه اضافه شد. مردم پیام می دهند آقای آذری سازد هنی بزن، جوک بگو یا



۱۹ بگذارید از ماجرای سوت زدن شروع کنیم که شهره عام و خاص است. بسیاری دوست دارند شما در کوچه و خیابان هم برای شان سوت بزنید.

بارها این موضوع را گفته ام که سوت به جای خود، مردم بخواهند در خیابان هم آنها را شاد می کنم. چون همیشه در هر لحظه به خاطر آنها روی صحنه بوده ام و هرکاری کرده ام تا مردم برای یک آن هم شده خوشحال شوند.

اما سوت زدن از کجا اتفاق افتاد؟ برای اولین بار سوت زدن از یک برنامه رادیویی شکل گرفت، جایی که در کاراکتر یک مفسر مسابقه ورزشی طنزآمیز میان تیم گرانی و تیم ارزانی را گزارش می کردم. آنجا نباید منتظر افکت سوت می ماندیم و خودم برای اولین بار سوت زدم تا کار برای مخاطب باورپذیرتر شود.

من این رویه و رفتار خلاقانه را از منوچهر نوذری آموختم، مردی که همه کارهای هنری، کارگردانی و دوبلاژ و اجرا را به خوبی می دانست، چون نفس او گرم بود و یکی از کارهایی که باید در رادیو و تلویزیون به آن دقت شود حضور مجریان و گویندگان با نفس گرم است که بتوانند شنونده و بیننده را جذب کنند.

۱۹ آقای آذری، شاید برای مخاطب جالب باشد که شما نیم قرن در رادیو بودید و از رادیو به تلویزیون آمدید.

بله. نیم قرن برای رادیو تلاش کردم. از تلویزیون به رادیو آمدم. هنوز ازدواج نکرده بودم که با حمید قنبری آشنا شدم و او مرا به برنامه «صبح جمعه با شما» برد. هنوز منوچهر نوذری و دوستان طنز حضور نداشتند و در آن برنامه امثال مرتضی احمدی و احمد قدکچیان هنرنمایی می کردند. سال ۱۳۴۱ که این برنامه با تماشاجی ضبط می شد و حال و هوای خاصی داشت.

۱۹ چون به رادیو اشاره کردید این سؤال به ذهنم رسید که هنوز هم پیشکسوتان و بزرگان رادیو نسبت به دستمزد های شان انتقاد دارند. چرا رادیو را مظلوم می دانند؟

درست می گویند. همیشه رادیو مظلوم واقع شده. من یادم می آید از

برای ثبت نام
اسکن کنید



مدرسه تربیت منتقد، به عنوان اولین و جامع ترین مرکز تربیت تحلیلگران و منتقدین سینما، با شناخته شده ترین مدرسین سینما، قصد دارد، کارشناسان، منتقدان و روزنامه نگاران را پرورش دهد تا بتوانند درست فیلم ببینند و عمیق و دقیق، آن را تحلیل کنند.

برای ثبت نام فایلی شامل مشخصات، مهارت ها، سوابق و نمونه کارها (در صورت وجود) را به نشانی QR کد روبه رو ارسال فرمایید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفا با شماره ۰۲۱۳۰۰۴۱۰۷ تماس بگیرید.

موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم، برگزار می کند

